

تاریخچه توقیف و سانسور جراید فارسی و تحولات قانون مطبوعات در ایران^۱

سید علی هشترودی

تفتیش و یا سانسور مطبوعات در ایران تاریخچه مفصلی دارد که شاید ما در این مجال نتوانیم به تفصیل در باره آن گفتگو نمائیم. اما آنچه مهم است این که آغاز سانسور در ایران در ارتباط با جراید فارسی خارج از ایران انجام گرفت و سپس به جراید چاپ داخل نیز سرایت پیدا کرد. آنچه در این مجال گنجایش ذکر آن هست مختصری راجع به پیدایش بازرسی در مطبوعات در زمان مظفرالدین شاه میباشد. برقراری آن در ایران و وضع سانسور مطبوعات برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه به وجود آمده و در عصر این پادشاه است که اداره‌ای به نام اداره سانسور در ایران تاسیس گردید. شرح بنیان این اداره و علت پیدایش آنرا اعتمادالسلطنه در کتاب ماثروالآثار ص ۱۱۷ کتاب که خود نیز در آغاز کار متصدی امر سانسور بوده بدین‌قسم بیان کرده است:

«اداره سانسور که عبارت از تفتیش کتب و روزنامه‌های وارده از خارج است، چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی و یا قدح فریقی و یا هجاء شخصی و یا هزل فاحشی بود به لحاظ مبارک این پادشاه - منظور ناصرالدین است - می‌رسید از انتشار آنها همواره آثار کراهت

۱ اصل این مقاله از کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۱ ص ۹ تا ۲۷ اخذ شده است.

برجین همایون هویدا بود، تا وقتی که رساله هجو سلاله شیخ هاشم شیرازی مطبوعه بمبئی را به تهران آوردند و نسخه حضور مهر ظهور بردند از مشاهده آن اشعار ناسزاوار در حق آن دانشوران بزرگوار شعله خشم شاهنشاهی زبانه زدن گرفت و در وقت به تحجیر و اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت، بنده نگارنده حاضر درگاه بود معروض نمود که دولت‌های اروپیه برای سد راه این عیب از ممالک خویش، دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن سانسور است و چون شرحی از شرائط و شئون آن براند برخاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا در تحت نظر این خانه‌زاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود و از آن وقت باز راه این عیب بسته است و رشته این تجارت گسسته.»

در باره نظارت و تفتیش دولت در چاپخانه و مطبوعات داخلی در زمان ناصرالدین شاه شرح زیر به عنوان آگهی در روزنامه رسمی دولت غلبه ایران شماره ۵۵۲ روز پنجشنبه دوازدهم ماه رجب ۱۲۸۰ قمری درج است:

اعلان دولت

«نظر به اینکه امر چاپخانه‌های ممالک محروسه ایران تاکنون در تحت قاعده معینه نبوده و در انتظام آن اهتمام نمیشد، اختلالی یافته متدرجا از محوطه نظم خارج افتاده، هرکس در هر مقام هر نسخه که میخواست قطع نظر از اینکه انتشار آن نسخه از جهت دولت و ملت مستحسن یا مستقیح و یا متداول شدن آن بین الناس از گوشزد اطفال یا اشاعه مضامین آن بین الرجال نافع یا مضر بوده باشد، چاپ می‌نمود و حکایات نامناسب که ذکر آن در این مقام مناسب نیست به طبع میرساند که موجب جرئت خوانندگان و شنوندگان در ارتکاب مناهای و ملامهی و سفک دماء و متابعت اهواء می‌گردید، خاصه اطفال از مبادی احوال و خواندن این حکایات نامربوط، مربوط می‌شدند و این روایات منطبقه غیرمستحسنه در جبلت ایشان کاللقش فی الحجر مرکوز و کالطبیعة الثانیة ثابت می‌گردید و گاه می‌بود که بعلت استمرار در استماع و مذاکره اینگونه ترهات در گرداب هواجس نفسانی و وساوس شیطانی وطه ور می‌گشتند. از آنجا که رحمت نامتناهی حضرت الهی مقتضی رافت و مرحمت خاطر خورشید مظاهر اعلیحضرت شاهنشاهی ولینعمت کل ممالک محروسه ایران آمده است و اراده سنیه همایونی اقتضا نمی‌فرماید که از جزئی و کلی امور ملکی و ملتی عاقل و باطل مانده و مردم از صراط مستقیم که موجب نعیم دنیوی و فیض عظیم عقبی است، منحرف و مایل باشند محض خیرخواهی و

عنایت درباره خلاق که ودایع حضرت خالق‌اند امر و مقرر فرمودند که صنیع الملک رئیس و مباشر امر روزنامه و نقاشخانه و کارخانه دولتی در کلیه امور چاپخانه‌های ممالک محروسه نیز مراقب و مواظب باشد. و چنانچه ذکر یافت بعضی از نسخ که موجب انزجار طباع و مودی بخلاف اوامر جهان اتباع شرعیه است و از حلی و حلال منافع ملکی و ملتی عاقل است سمت انطباع نیابد و در عوض کتابهائی که ظاهراً و باطنا قریب المنفعه و عديم المضرة است طبع نمایند تا خوانندگان و شنوندگان را به مدارج حسن عقاید بیفزاید و فواید مرضیه حاصل آید.»

واضح است که چون در زمان ناصرالدین شاه تمام جراید دولتی بوده، نظارت و تفتیش درباره آنها بیفایده و بی‌حاصل بوده است، ولی در زمان مظفرالدین شاه، به علت کثرت مطبوعات داخلی و خارجی، این نظارت و بازرسی صورت تحقق به خود گرفته است بخصوص در صدارت عین الدوله که بی‌اندازه نسبت به جراید داخلی سخت‌گیری به عمل می‌آمد.

تفصیل این اجمال آنکه در ابتدای صدارت امین الدوله روزنامه‌های فارسی دارای اهمیت شدند و امین الدوله مخصوصاً به روزنامه تربیت توجه خاصی داشت و آنرا ترویج می‌کرد و مدیرش را تشویق می‌نمود.

روزنامه جبل‌المتین که در خارج ایران، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه طلوع نموده بود به ایران فرستاده می‌شد، رونقی بسزا گرفت. روزنامه ثریا به مدیریت میرزا علیمحمد کاشی قریب دو سال از مصر افق مطبوعات ایران را منور نمود. وجود و پیدایش همین جراید بود که اوضاع ایران را تغییر داد و اساس مشروطیت را بر پا نهاد.

پیشرفت و نفوذ جراید فارسی ادامه داشت تا اینکه صدارت مظفرالدین شاه به میرزا علی اصغر خان ملقب به اتابک اعظم رسید. این شخص از نفوذ جراید فارسی بیمناک گردید و از ترس اینکه مبادا روزی این جراید فتنه تولید کنند دستور زیر را راجع به عدم ورود جرایدی که به زبان فارسی در خارج ایران طبع و منتشر می‌شوند صادر کرد و عموم جراید فارسی را از ورود به خاک ایران ممنوع گردانید، دستور مذکور تحت عنوان اعلان رسمی در شماره ۹۰ روزنامه رسمی ایران روز شنبه دهم ذی‌قعدة ۱۳۱۸ قمری درج گردید و عین آن از این قرار است:

اعلان رسمی

«بر هیچ کس پوشیده نیست که از مبادی جلوس میمنت مأنوس همایون شاهنشاهی خدائے تعالی سلطانه تا به حال نظر به کمال میل و توجهی که خاطر خطیر همایون سلطنت را به جلب انواع وسائل و اسباب ترقیات مادی و معنوی این دولت و مملکت بوده و ترویج و توسیع دایره روزنامجات و آزادی اقلام و افکار روزنامه نگاران را تا یک درجه از وسایل حصول این مقاصد مقدسه دانسته‌اند. غایت مساعدت و انواع مرحمت و اعانت را تا حال درباره جراید فارسی زبان راجع به ایران مبذول فرموده‌اند، ولی از آنجاکه در تمام ممالک خصوصاً راجع به مسائل سیاسی و مطالب رسمیه هر دولت معمول آن است که در داخله آن مملکت به طبع و انتشار می‌رسد و شبهه نیست که روزنامه‌ای که خارج از مملکتی و دور از مرکز دولتی نگارش یابد، روزنامه آن مملکت خوانده نمی‌شود، چرا که مرآت حقایق احوال و اعمال آن دولت نیست و به جهات و علل عدیده بری از شوایب کذب و خلاف و اشتباه نتواند بود، بناء علی ذلک نشر این گونه روزنامه در داخله مملکت و حوزه یک دولت به جای انتاج سود و فایده متضمن انواع مفاسد و مضرت است و روزنامجات فارسی زبانی که امروز راجع به احوال مملکت و دولت ایران در ممالک خارجه به طبع می‌رسد، تقریباً همه همین حالت را هم رسانیده و به هیچ وجه فایده‌ای که منظور دولت است از آنها حاصل نمی‌شود، چه غالب مطالب و مندرجات آنها از روی اشتباه یا مبنی بر سوء اغراض بعضی وقایع نگاران است. لہذا به حکم دولت همه آن جراید غدغن و ممنوع از ورود به داخله ایران گردید و چون در آینده هم به همین علت دوری از مملکت و دایره دولت ممکن نیست رفع این مفاسد و عیوب از آنها بشود بعد از این نیز ابدا اجازه ورود و دخول به ایران را نخواهد یافت. اما اگر روزنامه نگاران فارسی زبان بداخله ایران بیایند به ترتیباتی که در تمام دول سایره مرعی و معمول است به آنها اجازه طبع روزنامه در ایران داده خواهند شد.»

کسروی در جلد اول از تاریخ مشروطه ایران ص ۴ به نقل از تاریخ بیداری علت جلوگیری اتابک را از ورود جراید فارسی به ایران چنین نوشته است:

«شیخ یحیی کاشانی^۱ گفتاری درباره ناردستیهای انجمن معارف و بدخواهیهای اتابک نوشته انجمن و اتابک کمک خرج دبستان رشدیه را موقوف کرده بودند و برای چاپ شدن به روزنامه حبل المتین فرستاد و

۱ در کتاب تاریخ جراید صدر هاشمی به تفصیل آمده است.

چون آن چاپ شد و به ایران آمد، انجمن سری که برای برانداختن اتابک تشکیل شده بود شیخ یحیی را خواست و باز مقالاتی نوشت و به حبل المتین فرستاد و کم کم روزنامه ثریا نیز به زبان آمد و او هم مطالبی نوشت، در نتیجه اینها اتابک از آمدن روزنامه‌های فارسی به ایران جلو گرفت»
به هر صورت رفتار اتابک با جراید آزاد خیلی سخت و خشونت‌آمیز بود، به قسمی که روزنامه حبل المتین کلکته را برای اینکه در پیش‌آمد قرضه ایران از روس مقالات تندی نوشته بود مدت چهار سال از آمدن به ایران جلوگیری کرد.

رفتار عین الدوله با جراید

در زمان صدارت عین الدوله وزارت انطباعات به عهده ندیم السلطان واگذار شد و عین الدوله در اوائل صدارتش چندان نسبت به جراید مزاحم نمی‌شد و فقط ممیز مخصوص برای آنها قرار داده بود.

ندیم سلطان نیز چون بالفطره مردی سلیم و آزادی خواه بود، چندان مزاحمتی نسبت به اربابان جراید نمی‌نمود بخصوص هنگامی که مظفرالدین شاه با عین الدوله به فرنگستان مسافرت نمودند و کسی نبود از اربابان جراید جلوگیری کند، مدیران جراید هر چه می‌خواستند می‌نوشتند، تا اینکه شاه از فرنگستان برگشت و وزارت انطباعات را از ندیم السلطان خلع و به دست اعتماد السلطنه سپردند و به حکم عین الدوله به مدیران جراید سخت گرفتند و روزنامه ادب به مدیریت ادیب الممالک و روزنامه نوروز به مدیریت ناظم الاسلام کرمانی را دو مرتبه توقیف نمودند.

من جمله از کارهای عین الدوله تبعید مدیر روزنامه مظفری منطبعه بوشهر است که تا اواخر سلطنت مظفرالدین شاه یعنی تا رجب ۱۳۲۴ قمری در تبعید و حبس بسر می‌برد و عاقبت در سال مذکور به وساطت اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات وقت از تبعید نجات پیدا کرد و از حبس آزاد شد.

روزنامه مظفری از روزنامه‌های آزاد و نفیس دوره مظفرالدین شاه و دوش بدوش روزنامه حبل المتین می‌رفته است، حبل المتین چون در خارج ایران نوشته و طبع می‌شد، معاندین و دشمنان آزادی دسترس به توقیف آن نداشتند. فقط دو سه بار توانستند از ورود آن به خاک ایران جلوگیری کنند، اما مدیر مظفری بیچاره چون در داخل ایران بود دچار همه نوع عذاب و شکنجه گردیده و عاقبت هم در حکومت

موقرالذوله در بنادر، هنگامی که در کربلا تبعید بود، مدیر مظفری، به دست عمال عین‌الدوله و بدستور وی، یکی از داستانهای رقت‌انگیز و ملال‌آور تاریخ مطبوعات ایران است.

و نیز مرحوم مجدالاسلام کرمانی، مدیر روزنامه‌های ندای وطن، کشکول، محاکمات و ادب و غیره از کسانی هستند که به جرم آزادیخواهی و روزنامه‌نگاری به وضع ناگواری، در صدارت عین‌الدوله از ایران به کلات تبعید شده و در طول مدت صدارت وی در آنجا محبوس بودند تا در آغاز تاسیس مجلس شورای ملی، در صدارت مشیرالدوله از حبس کلات نجات یافتند و با تشریفات تمام آن دو را به تهران وارد نمودند. حاج میرزا حسن رشديه، مدیر روزنامه‌های مکتب و تهران، به تفصیل تبعید خود و همکار و هم‌سفرش مجدالاسلام را در یک نامه خصوصی که از کلات به خانواده خود نوشته، شرح داده است.

در سال ۱۳۲۲ قمری، در زمان صدارت عین‌الدوله، علاوه بر روزنامه جبل‌المتین که از پیش منتشر می‌شد روزنامه دیگری موسوم به چهره نما در خارج ایران تاسیس یافت. از همان ابتدا دچار خشم و غضب عین‌الدوله گردید و پس از نشر چند شماره از طرف این صدراعظم ورود آن به ایران ممنوع شد.

مدیر چهره‌نما شرح توقیف روزنامه را در سرحدات ایران و آزاد شدن بعدی آن را در شماره ۱۴ سال اول مورخ اول رمضان ۱۳۲۲ قمری بدین قسم بیان کرده است.

«در اوایل سال اول طلوع چهره‌نما بمناسبت وبای عمومی در ایران اداره چهره‌نما خسارت هنگفتی متحمل شد و در اواسط آن سال - منظور سال ۱۳۲۲ قمری است - نیز چهره‌نما در سرحدات ایران توقیف و خسارت بزرگتری به اداره وارد آمد لکن، چون والاحضرت اقدس شاهزاده عین‌الدوله که صدراعظم شاهنشاه کبیر مظفرالدین شاه بودند از مسلک و مقصد نگارنده چهره‌نما آگهی یافتند بموجب فرمانی چهره‌نما را آزاد ساختند.»

در همین شماره سواد دستخط عین‌الدوله بدین قسم درج شده است:

«جناب فضایل و محامد نصاب آقا میرزا حسن مدیر مدرسه رشديه زیدافضاله شرحی که در باب روزنامه چهره‌نما نوشته بودید ملاحظه شد. چون جناب عالی را بی‌غرض و صحیح‌القول میدانیم در این مسئله مهم تعهد جنابعالی را تصدیق می‌کنم. حالا که نوشته‌اید روزنامه مزبور از تکالیف خودش خارج نمی‌شود، البته در این صورت ورودش به خاک ایران ضرری ندارد. بدیهی است هر قدر وسائل دانش و

معرفت منتشر شود ثمراتش برای دولت و ملت بیشتر است. پس بر حسب تعهد شما سفارش لازم شد روزنامه چهره نما را از توقیف خارج و در ورود به خاک ایران بدون ممانعت قبول نمایند. ۸ رجب ۱۳۲۲ سلطان عبدالمجید»

از نامه مذکور معلوم می‌شود مرحوم رشديه نزد عین الدوله وساطت و تعهد نموده و لذا ورود چهره نما به ایران آزاد گردیده است.

پافشاری وکلای دوره اول مجلس برای آزادی جراید

رفتار عین الدوله نسبت به جراید ملی و توقیف‌های متوالی آنها به دست این صدراعظم سبب گردید که مدیران جراید به هر قسم هست، نظارت و تفتیش دولت را نسبت به جراید ملغی سازند و در امتیازنامه خود بخصوص کلمه «آزادی» را که تقریباً حکایت از عدم بازرسی دولت در آنها می‌نمود، قید کنند. ولی این کار در طول سلطنت مظفرالدین شاه انجام نگرفت و حتی نسبت به روزنامه تربیت که سابقاً نیز اشاره کردیم، با اینکه از نشان دادن و فرستادن روزنامه خود برای وزارت انطباعات معاف بود؛ مع ذلك این آزادی من غیر رسم بود و در دستخط و فرمان سلطنتی راجع به روزنامه مذکور عنوان «روزنامه آزاد» قید نگردید و شاید این مزیت هم برای مرحوم ذکاءالملک؛ مدیر تربیت؛ از آن جهت بوده که وی عضو رسمی وزارت انطباعات و دارالترجمه ملی بوده و علاوه بر این مزایای دیگری را نیز داشته است. بهر صورت اولین روزنامه که در زمان مظفرالدین شاه عنوان «روزنامه آزاد» پیدا کرد، روزنامه مجلس بود که در سال ۱۳۲۴ قمری؛ پس از تأسیس و انعقاد مجلس شورای ملی؛ تأسیس یافت. روزنامه مذکور به مدیری آقا میرزا محمد صادق طباطبائی فرزند شهید راه آزادی آقا سید محمد مجتهد طباطبائی که خود و پدرش از آزادیخواهان معروف بودند و مخصوصاً مرحوم طباطبائی از مؤسسين و پیشقدمان مشروطیت ایران بشمار است، اداره می‌شد و همین مزیت سبب گردید که عنوان روزنامه آزاد؛ به روزنامه مجلس داده شود و از تفتیش و نظارت دولت معاف باشد. از این رو باید گفت عنوان روزنامه آزاد؛ به روزنامه مجلس به علت وابستگی آن به فرزند یکی از علمای بزرگ یعنی آقا سید محمد طباطبائی بوده و درباریان نتوانسته‌اند از دادن این عنوان به روزنامه وی جلوگیری کنند.

آزاد بودن روزنامه مجلس در دستخطی که به صحنه شاه رسیده قید گردیده و ما برای مزید اطلاع خوانندگان سواد دستخط را ذیلاً نقل می‌نمائیم.

سواد دستخط مبارک همایونی

«جناب اشرف صدر اعظم، چون روزنامه موسومه به مجلس که اجازه طبع آن داده شده است، اول روزنامه است که در هر گونه ملاقات مفیده راجع به خیر عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرائط دولتخواهی به آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظر و صوابدید شخصی باشد که جامع اطلاعات علمیه شرعیه و سیاسیه و درستی و دیانت او کاملاً معلوم و مشهود باشد، لهذا به موجب این دستخط مبارک جزئی و کلی این امر مهم را از انتخاب اعضا و تعیین وقایع نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره به جانب آقا میرزا محسن مجتهد سلمه‌الله که علاوه بر جامعیت مراتب موقومه از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال اعتماد دولت و به مراتب دولتخواهی و وطن دوستی متحلی و به معلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند، مرحمت و به عهده کفایت و درستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را به ایشان عنایت فرمودیم تا مجلسی از بی غرضان خبیرو دولتخواهان بصیر تأسیس و تشکیل نموده با کمال دولتخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلاً به حسن ترتیب قرین انجام دارند» شعبان ۱۳۲۴

لازم است یادآور شویم که در این دستخط امتیاز روزنامه به عهده آقا میرزا محسن فرزند ارشد مرحوم طباطبائی واگذار گردیده ولی در عنوان روزنامه مدیر کل میرزا محمد صادق طباطبائی معرفی شده چنانکه دبیر اداره نیز ادیب‌الممالک نوشته شده است.

مزیت آزاد بودن روزنامه مجلس به اندازه‌ای مهم تلقی گردید که اولاً از همان شماره اول در عنوان روزنامه این عبارت قیده «این روزنامه به کلی مطلق و آزاد است» و ثانیاً در دو سه مورد در شماره‌های روزنامه بدان اشاره شده است، من جمله در شماره ۴۴ سال اول؛ تحت عنوان اخطار می‌نویسد: «... بناء علیهذا جمعی از ملت خواهان در این مقام بر آمده و امتیاز این روزنامه را به شرط آزادی قلم به اسم روزنامه مجلس از طرف دولت ابد مدت نایل شدند...»

پس از تأسیس روزنامه مجلس یعنی در اوائل ذیقده ۱۳۲۴ قمری؛ هنگامی که اجازه طبع و انتشار روزنامه ندای وطن به مرحوم مجدالاسلام کرمانی داده شد، با اینکه صدور

این اجازه به اصرار و جدیت مرحوم مشیرالدوله معروف بود، با وجود این، هر اندازه کوشش نمودند که کلمه «آزاد» در دستخط و فرمان امتیاز نوشته شود و آنچه خواستند این روزنامه را از قید «نظارت ریاست انطباعات» خارج سازند، ممکن نگردید.

یکی از کارهای مهمی که در آغاز مشروطیت ایران به دست وکلای دوره اول مجلس انجام گرفت همین گنجاندن کلمه «آزاد» در امتیاز نامه روزنامه‌ها بود و وکلای دوره اول برای دریافت این حق فداکاریهای زیاد نمودند و از این جهت روزنامه‌ها تا مدتی پس از آغاز مشروطیت جمله «آزاد ملی» را در سر لوحه روزنامه خود حتماً چاپ می‌کردند.

تأسیس و انتشار شبنامه

در دو سه سال آخر سلطنت مظفرالدین شاه و در آغاز مشروطیت که هنوز روزنامه زیاد در ایران رواج پیدا نکرده بود، یکی از وسایل نشر افکار آزادیخواهان و مخالفت با حکومت استبدادی و رجال درباری نشر شبنامه‌های خطی و یا با چاپ‌های ژلاتینی بود. این عمل بخصوص در سالهای ۲۳ و ۱۳۲۴ قمری باندازه در تهران شیوع داشت که دیگر هر کس با کسی عداوت و خصومت شخصی می‌داشت بر علیه او شبنامه منتشر می‌نمود. مجموعه بزرگی از این شبنامه‌ها در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است که در نوع خود بی نظیر و آقای تقی‌زاده آنرا با سلیقه خاصی جمع نموده و به کتابخانه مجلس اهداء کرده، درباره حصول آزادی است و اینها غالباً روی یک طرف کاغذ چاپ و یا نوشته شده است.

انتشار شب نامه؛ پس از تأسیس مجلس شورای ملی هم کم و بیش رواج داشته و حتی یک بار در مجلس مورد مذاکره قرار گرفت و یکی از نمایندگان به عنوان اینکه حالا که هر کسی در گفتن مطالب خود آزاد است چرا مردم صریحاً حرفهای خود را نمی‌گویند و با نشر شبنامه افکار خود را اظهار می‌دارند.

انجمن گلستان و طرح قانون آزادی مطبوعات

گفتیم تا قبل از تأسیس مجلس شورای ملی عموم مدیران جراید موظف بودند مطالب و مندرجات روزنامه خود را قبل از انتشار به نظر رئیس انطباعات رسانیده و وی می‌توانست هر گونه مطلبی که بر خلاف سیاست وقت باشد از انتشار آن

جلوگیری کند و نیز یادآور شدیم که پس از تشکیل مجلس شورای ملی اول روزنامه که از طرف دولت امتیاز داده شد روزنامه مجلس بود که پس از مدتی مذاکره و مشاوره بالاخره امتیاز آن به نام آقا میرزا محسن صادر گردید و کمال اهمیت را پیدا کرد زیرا در دستخط آن نوشته شده بود «روزنامه آزاد».

کمی بعد یعنی در اوائل ذی‌قعدة ۱۳۲۴ روزنامه ندای وطن بصاحب امتیازی و مدیری مجدداً اسلام کرمانی طبع و منتشر شد ولی انتشار این روزنامه باز مانند سابق تحت نظر رئیس انطباعات بود و با همه اصراری که برای موقوف کردن نظارت رئیس انطباعات نسبت به این روزنامه به عمل آمد نتیجه نبخشید.

وضع جراید پس از تأسیس مجلس به طریق مذکور بود و دولت در انتشار آنها کاملاً نظارت میکرد تا اینکه نمایندگان آذربایجان به تهران آمدند و موضوع درخواست صدور دستخط تلفظ مشروطه و اتمام قانون اساسی بمیان آمد. برای این کار چند روز در تهران و آذربایجان و رشت تعطیل عمومی شد. در این هنگام در تهران انجمنی به نام «انجمن گلستان» تأسیس یافت و این اولین انجمنی بود که در تهران منعقد شده بود؛ اجزای این انجمن عبارت از جمع زیادی فضلا و دانشمندان و جوانان تحصیل کرده در مدارس عالیه ایران و اروپا و محل انجمن در خانه «شاهزاده محمد جعفر میرزا» منعقد می‌شد؛ و چون هنوز مجامع آزاد نبود از این جهت اعضای آن با کمال احتیاط گرد یکدیگر جمع شده و درباره مطالب مهمه مذاکره می‌نمودند و انصافاً هم در آن تاریخ این انجمن خدمات مهمی نموده است. من جمله از کارهای انجمن مسئله آزادی مطبوعات است.

تفصیل این اجمال آنکه در یکی از جلسات انجمن؛ یکی از اعضاء به نام علی محمد مجیرالدوله که سوابق ممتدی در امور روزنامه‌های ایران داشته و مدتی سمت مدیر دارالطباعة دولتی و روزنامه ایران را دارا بوده است، مسئله آزادی مطبوعات را در انجمن مطرح می‌نماید. بقیه این تفصیل را بعین عبارت از مرقومات خود مجیرالدوله نقل می‌کنیم:

«مسئله آزادی مطبوعات را بنده نگارنده در آن انجمن مطرح نموده و اعضاء دانشمند آن هر کدام معلومات خودشان را با کمال حرارت اظهار داشتند و به اتفاق آراء گفتند که لوازم مشروطیت آزادی قلم است و تا آزادی قلم نباشد مشروطیت مستحکم نخواهد بود و جدا بلکه جازم شدند که به هر وسیله که ممکن شود نعمت

آزادی قلم را به دست بیاورند، و در یک مجلس مذاکره بسیار نمودند و بالاخره چنین رأی دادند که دو سه نفر از محترمین وکلای آذربایجان را که تازه به تهران آمده بودند و بالنسبه بسیار وکلا آزادیخواهتر بودند در انجمن حاضر نمایند و آنها را در انجام این مقصد بزرگ با خود همراه نمایند و سه نفر از غیرتمندان اعضاء انجمن مأمور شدند که بروند و وکلای آذربایجان را در انجمن حاضر نمایند. حضرات رفتند و بعد از یک ساعت دو نفر از وکلای آذربایجان را بهر وسیله بود حاضر کردند و اعضای انجمن گلستان با آنها مذاکرات بسیار نمودند و آنها را ترغیب و تحریر نمودند که مسئله آزادی قلم را جدا در مجلس مطرح نمایند. بعضی هم مأمور شدند که با بعضی از وکلای محترم مذاکره نمایند و آنها را در این مقصد عالی همدست کنند و در همان شب جناب آقا میرزا ابراهیم خان منشی سابق سفارت لایحه نوشت مشتمل بر اینکه آزادی قلم از شروط و لوازم کنستیتوسیون است و اگر قلم آزاد نباشد ابدأ مشروطه نیست و شواهدی هم برای اثبات این مدعی ضمیمه نمود و جوانان غیرتمند مجلس هر کدام چندین نسخه از روی آن لایحه نوشتند و هر یک از اعضاء انجمن چند نسخه از آنها را برداشتند و متعهد شدند که فردا قبل از انعقاد مجلس مقدس به وکلای معظم برسانند. و فردا طوری آن لوایح منتشر شد که هر کس از وکلا و تماشایی به طرف مجلس می رفتند یک نسخه از آنها را در دست داشتند حتی آنکه خود نگارنده را در موقع ورود به بهارستان یک نسخه از آن لوایح دادند و به همین جهت آن روز همه غریبی در مردم افتاد؛ وکلا هم مطلب را در مجلس محترم مطرح نمودند و چون مصادف شد با مستدعیات ملت که در ابتدای جلوس اعلیحضرت همایونی در اواخر ذی الحجه مقارن ورود وکلای آذربایجان به تهران از طرف اهالی آذربایجان عنوان شد و غیرتمندان تهران هم اهتمام تمام در انجام آنها نمودند که یکی از آنها تصریح به لفظ مشروطیت بود و دیگری اتمام قانون اساسی و دیگری انعقاد انجمن های ایالتی و ولایتی در سایر بلدان و غیره و برای انجام این مهام چند روز در تبریز و تهران و رشت و انزلی تعطیل عمومی شد و از طرف مجلس همه روزه جناب مخبرالسلطنه به دربار می رفتند و می آمدند تا آنکه بالاخره هر سه چهار فقره پذیرفته شد. آزادی مطبوعات هم به همت دانشمندان ضمیمه مستدعیات شد و همراه آنها پذیرفته گردید. از آن روز دیگر ما اخبار روزنامه را بدون این که به جناب اعتمادالسلطنه ارائه بدهیم، به مطبوعه می دادیم و خود اعتمادالسلطنه هم که از این ماموریت چندان رضایت نداشت، آسوده گردید و از آن روز به بعد

فضای مملکت به خیال انجام این خدمت افتادند و روزنامه‌های متعدده ایجاد کردند که اینک بحمدالله والمنة قریب بیست نسخه روزنامه در خود دارالخلافه طبع می‌شود و همین قدرها هم در سایر بلدان و هر چند چندین نمره به اسامی مختلفه ایجاد شد و به زودی تعطیل شد ولی علت عدم آزادی نبوده و مزاحمتی از طرف دولت نمی‌شده فقط عدم وفای جمع به خرج اسباب تعطیل شده، یعنی چون هنوز در تهران و سایر بلدان ایران چندان روزنامه خواندن معمول نشده و مردم انسی به خواندن ندارند، لهذا پاره از روزنامجات که به اصطلاح اساسی نبوده بزودی تعطیل شده، اما روزنامه‌ها که اساس آن‌ها محکم و سرمایه مالی و حالی داشته و یا مدیرش سماجت کرده هنوز باقیست»

شرح فوق از مقالات مسلسلی که به عنوان «آزادی قلم» در چند شماره از سال دوم روزنامه ندای وطن چاپ شده نقل گردید.

پس از مقدمات قانون مطبوعات در روز شنبه پنجم شهر محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری با حضور هشتاد و هشت نفر از نمایندگان مجلس و با هفتاد و شش رأی به تصویب رسید و پس از امضای رئیس مجلس مرحوم احتشام السلطنه برای صحه همایونی به دربار فرستاده شد. قانون مطبوعات در شش فصل تنظیم و مشتمل بر ۵۲ ماده می‌باشد. قانون مذکور دارای مقدمه‌ای بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم الرحيم

«موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است، ولی هر گاه چیری مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود، نشر دهنده و یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. مقرر می‌شود طبع کتب و روزنامجات و اعلانات و لوايح در تحت قوانین مقرر ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب ومطبوعات وضع می‌شود آزاد است. هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد، باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف به الزام شرعی ملزوم و متعهد شود.»

آزادی مطبوعات طبق قانون اساسی؛ قبل از این تاریخ یعنی در محرم ۱۳۲۶ قمری؛ بار دیگر در مجلس مورد گفتگو قرار گرفته و این گفتگوها در صورت جلسات و

مذاکرات روز یکشنبه سیم جمادی الاخری ۱۳۲۵ قمری ضبط است. در روز مذکور پس از قرائت قوانین مطبوعات به وسیله آسید محمد تقی، نمایندگان مذاکراتی در این زمینه به عمل می‌آوردند و من جمله آقای مرتضی قلیخان اظهار می‌دارد: «در قانون اساسی فصل آزادی انطباعات هنوز تصویب نشده، بهتر آنست که آن ماده تصویب شود تا تکلیف اصلاح این قانون معلوم گردد.»

رئیس مجلس و آقای تقی زاده و وزیر علوم و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی هر کدام به نوبه خود اظهاراتی در این باره نموده و بالاخره طبق اظهار رئیس مجلس به کمسیون ارجاع می‌شود که پس از مذاکره و تصویب؛ برای توزیع بین نمایندگان به چاپ برسد. ولی تصویب این قانون تا محرم ۱۳۲۶ قمری به تأخیر می‌افتد.^۱

با همه آزادی که برای مطبوعات در این قانون پیش بینی شده؛ مع‌ذلک روزنامه‌ها از آن ناراضی بوده و روزنامه انتقادی مساوات؛ به مدیری سید محمدرضا مساوات؛ در شماره ۱۹ سال اول خود بعنوان خرده‌گیری از قانون جدید؛ آنرا به عنوان «عید ظهور قانون مطبوعات» نامیده و نیز به طریق اعتراض؛ مندرجات این شماره را به مطالب گوناگون علمی و ادبی به وضع کنایه‌آمیز اختصاص داده است. فهرست فنون مندرجه در این شماره بدین قرار است: مکاشفات هاهوتی، اشراقات عرشی، نتیجه سیاسی جغرافی. هیئت. تسخیر آفتاب. تجارت. تاریخ دول قدیم شرق. طب. ادبیات. فقه. صنعت. اخلاق استخراج معدن. اخبارات ممالک ایران.

برای اینکه خوانندگان از این تغییر ناگهانی مندرجات روزنامه تعجب نکنند و اینکه چگونه یک روزنامه شدیدالحن، انتقادی ناگهان، سبک را تغییر داده و بدین صورت درآمد است؛ مدیر مساوات در آخر صفحه ۸ همین شماره به عنوان «اخطار» چنین می‌نویسد: «یقین داریم که همه خوانندگان از تغییر مسلک مساوات و سیاق تحریر آن واله و متفکر شده‌اند، ولی اگر علت این حسن اسلوب را بدانند حتماً تعجب نکرده بلکه مساوات را از این اطاعت قانون و اتخاذ مسلک عاقلانه و صلح جویانه تحسین هم خواهند نمود، چه ظهور باهرالنور «قانون نامه مبارکه مطبوعات» علی مقننیها آلاف التحیات؛ بیش از آنچه در این نمره مبارکه و غیر از آنرا اجازه نمی‌دهد و باید بعد از این هر چه زودتر همه جراید فرائد فارسی و روزنامجات

۱ به شماره ۱۲۷ سال اول روزنامه مجلس رجوع شود.

مبارکه از این روزنامه و روزنامه مبارکه که ایران پیروی نموده، اطاعت‌شان را به قانون مقدس جناب مستطاب ملاذ الانام آقای آقا سیدمهدی و کیل ۵۵ کرور ملت ایران اظهار کنند».

صوراسرافیل نیز در شماره دوم سال اول این روزنامه تحت عنوان «نیم ساعت در دارالفنون» شدیداً اداره انطباعات را مورد حمله قرار داده و از آن انتقاد نموده است. مبارزه از این جا شروع شده که مدیر صور اسرافیل در شماره اول روزنامه خود تحت عنوان «مسئولیت قلم» مقاله مفصلی نوشته و در آن یادآور شده که پس از توکل به خدا و استمداد از قلم باز یکی بازوی مرا گرفت و نگاهداشت برگشتم دیدم یک دیو سیاه گنده مهیبی است که می‌گوید اسمم اداره پوسیده انطباعات است و من هم در این کار دخالت دارم، اولاً شیرینی ما را بده، ثانیاً باید من هم تفتیش کنم و پیش من مسئول باشی. سپس می‌نویسد امید است مجلس شورای ملی این لفظ منحوس فرنگی «سانسور» را از صفحه این خاک براندازد.

مقاله مذکور که خلاصه آن را فوقاً نقل کردیم و بخصوص قسمت شیرینی خواستن اداره انطباعات؛ سبب شد که اختاریه به شرح زیر برای میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل فرستاده شود. عین اختاریه این است:

«وزارت معارف و اوقاف. اداره جراید. نمره ۱۷۰ مورخه ۱۹ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ جناب میرزا جهانگیر خان مدیر روزنامه صور اسرافیل دام مجده لزوماً زحمت می‌دهم صبح یکشنبه بیستم در مدرسه مبارکه دارالفنون تشریف بیاورید که ملاقات شما لازم است. مخیر السلطنه.»

پس از وصول اخطار مذکور؛ میرزا جهانگیرخان در روز مقرر نزد مخبرالسلطنه رفته و در آنجا سوالات و جوابهایی بین آن دو رد و بدل گردید که عین آنها به ضمیمه مقدمه‌ای که شدیداً در آن به اداره انطباعات حمله شده، در شماره دوم صور اسرافیل چاپ شده است. برای تکمیل مطلب قسمتی از مقدمه سؤال و جواب را نقل می‌کنیم!

نیم ساعت در دارالفنون

«در شماره اول هفتگی صور اسرافیل بعد از قبول مسئولیت نزد عتید و رقیب یعنی کرام الکاتبین با قوت قلب و اعتماد قلم روی کاغذ گذاشتیم و اداره انطباعات را اداره پوسیده

نوشتیم، یعنی اداره مرده که وجود خارجی نداشته باشد، زیرا مملکت و دولت ما مشروطه است و مطبوعات نیز باید مثل سایر دول مشروطه عالم آزاد باشد و کلمه منحوسه «سانسور» یعنی تفتیش در مطبوعات با سایر الفاظ منفرجه دیگر که یادگار دوره خوف و وحشت است به کلی از وطن ما محو و نابود شود و بعدها این کلمات فقط در کتب تاریخ به یادگار بماند و معلمین علم تاریخ در مدارس و مکاتب به جهت اطفال و اخلاف ما در وقت درس دادن قرون قبل از مشروطیت وطن این کلمات را شرح دهند که مثلاً در زمان استبداد دو اثر چند بود مثل اداره انطباعات که هر کس می‌خواست کتاب و رساله چاپ کند باید چند روز از شغل و کار خود دست بکشد و دوندگی کند و به دور خانه رئیس انطباعات و نایب رئیس و منشی و ثبات و فراش آن اداره برود و هزار تملق بگوید و دو ریال پول نقد و سند دو جلد از عین کتاب بسپارد تا حاشیه کتاب را مهر و امضا نمایند. با این که ما از صاحب امتیاز خود اسرافیل استدعا کردیم که به عزرائیل بگویند روح آن دیو را با پنجه فولادین قانون اساسی قبض فرماید؛ معلوم شد که آن اداره هنوز رمقی دارد و اظهار حیات میکند و به وزارت علوم و اوقاف شکایت کرده که چرا نویسنده هفتگی صور اسرافیل نوشته که ما شیرینی می‌گیریم. وزارت علوم و اوقاف هم در روز شنبه نوزدهم مکتوباً نگارنده را در یکشنبه احضار نموده بودند.»

از شرح مذکور تا اندازه‌ای طرز رفتار اداره انطباعات با مدیران جراید و مؤلفین کتب و نویسندگان؛ قبل از مشروطیت و حتی در آغاز مشروطیت؛ معلوم می‌گردد و باز می‌رساند نمایندگان دوره اول با تصویب قانون آزادی مطبوعات؛ و لغو سانسور و تفتیش دولت را نسبت به جراید چه خدمت بزرگی انجام داده‌اند. آزادی مطبوعات سبب گردید که پس از مشروطیت جراید زیادی در تهران و شهرستانها منتشر گردد؛ این ازدیاد روز بروز توسعه می‌یافت تا حادثه بمباران مجلس و فرار آزادیخواهان و قتل مدیران جراید پیش آمد.

پشتیبانی مجلس و نمایندگان دوره اول باعث شد که به تعداد زیادی روزنامه تأسیس و منتشر گردد و بخصوص آزادی که برای جراید پیش بینی شده بود آن‌ها را از هر نوع قیدی رها می‌نمود. یکی از نویسندگان در آن ایام؛ در این باره می‌نویسد:

«امروز آزادی قلم در ایران است در هیچ یک از ممالک فرنگستان نیست، بلکه از بعضی ممالک متوسط اروپا هم بهتر و آزادتر است، به این معنی که از طرف هیئت مقننه و ناحیه مجلس مقدس شورای ملی و از طرف هیئت محترمه دولت ابداً مزاحمتی من غیر حق به نویسندگان نشده و نمی‌شود.»

در آغاز مشروطیت مدیر روزنامه چهره نما منطبعه مصر مسافرت پانزده ماهه به ایران نموده و در مراجعت شرحی در باره مسافرت خود به ایران و وضع تهران نوشته و من جمله در شماره اول سال پنجم آن روزنامه مورخ غره جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری اشعاری خطاب به قلم یا تقریظ هم قلمان محترم سروده و چون اسامی تمام جراید را در ضمن این اشعار گنجانیده؛ بی مناسبت نیست با نقل این اشعار فهرستی از اسامی جراید قبل از مشروطیت و آغاز مشروطیت را در اینجا ثبت نمائیم. این اشعار بدین شرح است:

ترجمان نازنین افکار من
 ده تو تقریظ جراید از رموز
 ذات ایرانی ز ارباب قلم
 تا بمانند یادگاری در وطن
 از تو حق حق محقق شد به حق
 «حکمت» آموز جهان یکسر تویی
 «عروة الوثقی» و «حبل المتین»
 «پرورش» دادی بامر ذوالجلال
 کرده‌ای از هر مطیع و هر مطاع
 بی تو بیرون رفته «مفتاح الظفر»
 «کوکب دری» معنی را کسوف
 بیش از این در پرده غفلت ممان
 کام جان در ده گدا و شاه را
 باز هم افکن «ندائی در وطن»
 ملک استبداد ا تخریب کن
 در نورد ایسن عالم مضبوطه را
 کس نبود «آزاد» زنده و سترک
 چون «فوائد» را بشد حامی دغل
 تا «حقایق» جمله گردد آشکار
 تا نماند مستبدین را روان
 کن تو «حرم» مردم اختیار را
 آیدت بانگ فری در گوش جان

ای قلم ای حامل اسرار من
 باز کن ابواب معنی کنوز
 آنچه هست و آنچه باشد در عدم
 نام بر از بهر تاریخ ز من
 ای قلم از ما سوی بردی سبق
 آسمان فضل را «اختر» تویی
 هست در بند تو هر در بند دین
 در معنی را تو در بحر «کمال»
 خلق «ایران» را چرا بی «اطلاع»
 از کف «فرهنگ» جویان هنر
 چند میداری روا ای با عطف
 ماه «مجلس» باش و «خورشید» جهان
 چهره بنما هر «معارف» خواه را
 چون تو بودی «رهنما»ی مرد و زن
 بی ادب را از «ادب» تادیب کن
 «ناصری» کن کوکب مشروطه را
 قصد «آذربایجان» چون کرد ترک
 مانند «مفتاح سیاسی» از عمل
 ای قلم همین نقش «جام جم» بیار
 «صور اسرافیل» دم اندر جهان
 پس مدد کن زمره «انصار» را
 تا بشادی از «عراق» و «اصفهان»

بعد این «شدت فرج بخش» مراد با «جناب» عقل پس «الفت» نما هر دم از «عدل مظفر» یاد کن آنچه اسرار «وطن» هست از نیاز تا شود «تنبیه» بر هر مرد و زن «حشرات الارض» را سخت است سخت ای قلم لفظ مدن را مظهری کن تو «ابلاغ» «سعادت» بر همه بر تو باشد خلق ایران را وثوق احمد «انسانیت» را در مقام همتی انباز خود «ارشاد» کن تا شود «آزادگان» را «بامداد» اختلافی در «خلافت» نیست هان چون «زبان ملتی» ای بیهمال «آینه پنهان نمائی» از چه راه تاج «شاهنشاهی» اندر سر سزاست ملک رفت از کف «ترقی» خواه کو باد بانی گر کند کشتی ما ای قلم ما را ز نو «تشویق» کن بر «ثریا» «نیر اعظم» تو باش کن تو تشریح «عدالت» مو به مو «قاسم الاخبار» تو بیحد و عد «ساحل بحر نجاتی» مستدام

«انجمن» های «تدین» را بداد زین سپس «نقش جهان» کش از صفا «آدمیت» خواه را دلشاد کن باز بیرون آر از «کشکول» راز گفته هایت چونکه هستی مؤتمن «تربیت» چون دل بگرده لخت لخت از «شرافت» ملک را «مظفری» حرف حق را بازگو بی واهمه چون اروپا را تو فهماندی حقوق همجو «روح القدس» شو فایض مدام «مکتب» اغفال را «آباد» کن شهر «طهران» مرکز داد و وداد پس «مساوات» است ما را در میان نیست «انصاف» از تو خود پوشی «جمال» رو شنیت نیست کس را انتباء زانکه اندر ملک «قانون» پادشاه است جز تو اندر ملک معنی شاه کو غم نباشد چون تو باشی نا خدا در دو عالم همدم توفیق کن «صبح صادق» را فروغ این دم تو باش تا «محاکم» را برآید آرزو چشم بر راهند اندر هر بلد هر «حقیقت» از تو بس «خیر الکلام»

اسامی که در میان پرناتز گذاشته شده نام جرایدی است که در ایران و خارج ایران منتشر شده و این فهرست می‌رساند که تا چه اندازه آزادی مطبوعات کمک به پیشرفت و توسعه جراید نموده است.

حوادث بمباران مجلس و قتل و فرار مدیران جراید

مخالفت محمد علیشاه با اساس مشروطیت و آزادیخواهان منتهی به حوادث شوم و کودتای ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری گردید. نامبرده بدستاری در باریان موفق

به سرکوب آزادیخواهان گردید. کلیه این حوادث تأثیر بسزائی در وضع جراید ایران داشت به قسمی که پس از قضیه بمباران تمام مدیران جراید یا مقتول شده و یا از مملکت فرار نموده و در نتیجه رکن چهارم مشروطیت برای مدتی در این کشور تعطیل گردید. میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل و همچنین مدیر روزنامه روح القدس از فدائیان و مقتولین این حادثه هستند. آنهایی هم که توانستند از دست دژخیمان جانی بدر برند از قبیل سیدمحمد رضای مساوات، مدیر روزنامه مساوات و دهخدا؛ نویسنده صوراسرافیل که بعداً در سویس روزنامه به همین نام تأسیس نمود و همچنین مدیر روزنامه مظفری و مدبرالملک مدیر روزنامه صبح صادق و جمع زیادی دیگر؛ آواره و حیران و سرگردان در ممالک خارجه اروپا و هندوستان و مصر بسر می‌برند؛ تا اینکه برای بار دوم آزادیخواهان بر مستبدین غلبه نموده و محمدعلیشاه تاج و تخت را ترک نموده به روسیه پناه برد و آزادیخواهان و مدیران جراید توانستند مجدداً به موطن خویش باز گردند.

وضع جراید در مشروطیت دوم تا پایان انقراض سلطنت قاجاریه

پس از فرار محمدعلیشاه و جلوس احمد شاه؛ به تدریج آزادیخواهان و مدیران جراید که بخارج کشور رفته بودند عودت نموده و مجدداً شروع به کار کردند و دو مرتبه بازار جراید رونق گرفت. این بار جراید با مطالب مفیدتر و قطع بزرگ و هر یک با سبک مخصوص و با مسلک خاصی شروع به انتشار نمودند و احزاب و جمعیتها برای خود روزنامه بخصوصی ارگان قرا ر داده و افکار و نظریات خود را به وسیله جراید منتشر ساختند. چنان که دموکرات‌ها روزنامه «ایران نو» را تأسیس و جمعیت اعتدالیون جریده «شوروی» و حزب اتفاق و ترقی شرق روزنامه معتدل استقلال ایران» را به معرض انتشار گذاردند. پس از انحلال دوره دوم مجلس باز دوره انحطاط و خمود جراید پیش می‌آید و برای مدتی جراید متوقف می‌ماند تا دوره سوم مجلس افتتاح پیدا می‌کند و این بار دو مرتبه تعداد جراید در پایتخت و ولایات افزوده می‌گردد.

دوره فترت یعنی مدتی که از انحلال دوره سوم مجلس شروع و به افتتاح دوره چهارم ختم می‌شود. قریب ده سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ قمری به طول انجامید، تحولات عظیمی در وضع جراید و مجلات پیش آمد نمود و در حقیقت دوره بلوغ جراید

فارسی در همین مدت است. دوره فترت با همه اعمال نظرها و اغراض شخصی که در این دوره در مطبوعات به کار می‌رفت و حقیقتاً می‌توان بعضی از آنها را ورق پاره شمرد از لحاظ دخالت در وضع عمومی کشور و اداره نمودن سیاست مملکت؛ از ادوار مهم تاریخ مطبوعات کشور به شمار می‌رود. و با در نظر گرفتن اینکه قوه مقننه در این دوره به حالت تعطیل در آمده بوده و جراید وظایف مهمی را در قبال دولت و مردم داشته‌اند می‌توان به اهمیت مطبوعات آن زمان پی برد. به همین علت است که در دوره فترت جراید مهم و آبرومندی در تهران منتشر شده که شاید تا کنون هم نظیر بعضی از آنها منتشر نگردیده است. جراید مهم و عمده این دوره عبارتند از: ستاره ایران؛ ایران؛ رعد؛ برق؛ عصر جدید؛ کوکب ایران؛ نوبهار؛ ایران؛ شفق سرخ؛ ایران آزاد؛ وطن؛ عصر انقلاب؛ گلشن؛ حلاج؛ صدای طهران؛ زبان آزاد؛ صدای ایران؛ میهن؛ بهارستان؛ حیاة جاوید، کار؛ حقیقت؛ مرد آزاد؛ قانون، رهنما، شمس، بدر، جنت؛ توفیق؛ نسیم شمال؛ گل زرد و زنبور و غیره.

و در روزنامه‌های ولایات از قبیل پرورش، فکر جوان، ندای گیلان، ترغیب و معیشت ملی در شهر رشت. عرفان؛ راه نجات؛ اخگر؛ در اصفهان. بهار؛ مهر منیر؛ استقامت؛ چمن و آزادی در مشهد. گلستان؛ عصر آزادی؛ استخر؛ تخت جمشید و بهار آزادی در شیراز. سهند، عنکبوت؛ تبریز. شاهین در تبریز.

پیش آمد جنگ جهانی اول و حوادث و انقلابات ناشیه از جنگ چه در خارج و چه در داخل ایران و اخبار اسفانگیز جنگ بین الملل موضوع‌های تازه برای درج در مطبوعات پدید آورد و روزنامه‌های ورق بزرگ هر کدام در سه صفحه خود را منحصر به درج اخبار مربوط به جنگ و حوادث صحنه‌های جنگ عمومی نمودند و حتی بعضی از این جراید مانند عصر جدید اغلب سرمقاله‌های خود را به بحث در حوادث خارجی و اوضاع جنگ اختصاص می‌داد. از این رو می‌توان گفت بحث در حوادث خارجی در جراید ایران از این دوره شروع می‌گردد. نفوذ و اهمیت جراید در دوره فترت باعث گردید که چند بار از طرف دولت‌های وقت تمام یا قسمتی از جراید طهران توقیف و از طبع آنها جلوگیری شود. من جمله یک بار در برج حوت ۱۲۹۶، در کابینه مرحوم مستوفی الممالک کلیه جراید سیاسی توقیف گردید و فقط جریده نیم رسمی دولتی ایران که به مدیریت مرحوم آسید حسین اردبیلی اداره می‌شد و در برج اسد سال مذکور مدیریت آن به عهده میرزا محمدخان ملک زاده واگذار شده بود منتشر می‌گردید.

مدیر مجله چهره نما؛ در مجله سال ۱۶ مورخ غره ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری از قول مخبر خود می‌نویسد:

«روزنامجات پایتخت آنها که بزرگ و یومیه بود مانند رعد، شوروی و ایران نو مدت‌هاست تعطیل شده، حتی مدیر رعد مدتها در روسیه بود به عنوان تداوی مزاج.»
توقیف جراید مدتها ادامه داشت تا اینکه روزنامه رعد که جز و سایر جراید توقیف شده بود از روز سه شنبه ۱۸ ربیع‌الثانی مطابق اول برج دلو سال ۱۲۹۶ در تحت نظر و مدیریت آقا سید ضیاء‌الدین طباطبائی بطور یومیه مجدداً منتشر شد و نیز در برج حوت همین سال روزنامه موسوم به «اروود» بمعنی صبح به مدیریت مسیو باذیل به زبان ارمنی نشر شد.

در دوره فترت علاوه بر توقیف‌های جمعی که از جراید به عمل آمده، دولت دو تصمیم تازه راجع به مطبوعات اتخاذ نمود، یکی آنکه در جلسه ۱۸ شوال مطابق ۱۶ اسد ۱۳۳۵ قمری بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ دو ماه ذیل را مقرر داشت:

ماده اول - مادامی که قانون منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و محاکمه خواهد شد و وزارت عدلیه یکی از شعب محاکم را برای این امر تخصیص خواهند داد.

ماده دوم - تعیین مجازات موافق قانون مطبوعات خواهد بود مگر در مواردی که در قانون مطبوعات تصریحی نباشد، در این صورت موافق قانون جزای عرفی موقتی حکم داده خواهد شد. محمد علی (ریاست وزراء)

تصمیم دوم نیز که در همین جلسه هیئت وزراء گرفته شده بدین قرار است: هیئت وزراء عظام تصویب فرمودند که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می‌خواهند باید اجازه آن به تصویب هیئت وزراء عظام رسیده باشد و نیز کلیه امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه حاضر از طرف وزارت معارف داده شده و تاکنون اشاعه نیافته توقیف و موکول با اجازه هیئت وزراء خواهد بود. محمد علی (ریاست وزراء)

بر طبق تصمیم دوم هیئت وزراء تعداد زیادی از جراید که مدتی از تصویب آنها گذشته و منتشر نشده بود امتیاز آنها لغو گردید و صاحبان آنها محتاج به تجدید امتیاز گردیدند.

کابینه نود روزه سید ضیاء‌الدین و جراید

سید ضیاء‌الدین طباطبائی که ابتدا در شیراز روزنامه کوچک هفتگی و بعد در طهران روزنامه شرق را تاسیس کرد و پس از مراجعت از پاریس اول روزنامه برق و پس نشر سیزده شماره از این روزنامه بعلت توقیف آن، رعد پا بمیران گذاشت به اهمیت جراید ملی پی برده بود و لذا پس از روی کارآمدن تعدادی از جراید مهم پایتخت از قبیل گلشن، حلاج و ستاره ایران را توقیف نمود و این جراید در کابینه نود روزه سیدضیاء‌الدین در حال توقیف بسر می‌بردند. پس از انحلال کابینه و تشکیل هیئت دولت جدید از توقیف خارج شدند، جراید دیگری نیز از قبیل ناهید، کوشش، اتحاد، شهاب، قرن بیستم، پرتو، سیاست، طوفان، آسیای وسطی، اقدام و سیاست اسلام پا به دایره انتشار گذاشتند و دنباله توسعه جراید ادامه داشت تا دوره چهارم مجلس شورای ملی که می‌توان آنرا باز دوره فترت مطبوعات ملی دانست.

